

# غیبت

هیچ کس را نکن

@waaheedullahrahimi

شاید از گناه اش خبر داشته باشی  
اما از توبه اش خبر نداری ،،

نویسنده : خادم القرآن  
حنیف

شناسنامهء كتاب

نام كتاب : غيبت هيچ كس را نكن

موضوع : حرمت غيبت

نويسنده : خادم القرآن عبدالله "حنيف"

سال چاپ : 1399

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## فهرست

صفحه	عنوان
۴	۱- مقدمه.....
۵	۲- غیبت چیست.....
۵	۳- مفهوم غیبت.....
۵	۴- حکم غیبت و آثار سوء آن.....
۷	۵- حکم گوش دادن به غیبت دیگران چیست؟.....
۸	۶- توبه ی شخص غیبت کننده.....
۹	۷- كفاره و توبه غیبت.....
۱۰	۸- چهره اخروی غیبت.....
۱۱	۹- عكس العمل در برابر غیبت کننده.....
۱۲	۱۰- فلسفه تحریم غیبت.....
۱۲	۱۱- موارد جواز غیبت.....
۱۳	۱۲- انواع غیبت های مباح.....
۱۹	۱۳- اگر غیبت مسلمانی را کردیم، چگونه آنرا جبران نماییم؟ آیا غیبت كفاره دارد؟.....
۲۵	۱۴- آیا غیبت كردن پشت سر کسی كه وظایف اداری خود را مانند دیگران انجام نمی دهد، گناهی دارد؟.....

### مقدمه

الحمد لله رب العالمين والعاقبه للمتقين والصلاه والسلام على خير خلقه محمد وعلى اله واصحابه اجمعين اما بعد

غیبت از بزرگترین گناهان است. همانطور که می‌دانیم سرمایه بزرگ انسان در زندگی حیثیت و آبروی اوست و هر چیزی آنرا به خطر بیندازد مانند آن است که جان او را به خطر انداخته باشد. بلکه گاه ترور شخصیت از ترور شخص مهمتر محسوب می‌شود و اینجاست که گاه گناه آن از قتل نفس نیز سنگین‌تر است.

پیامبر علیه السلام فرمود ترک غیبت از ده هزار نماز مستحب در پیشگاه خداوند متعال محبوبتر است

بناء رساله ساختم بنام غیبت هیچ کس را نکنیم امید است بر همه گان مفید واقع شود

والله المستعان علی ماتصفون

بسم الله الرحمن الرحيم

غیبت چیست

غیبت عیب گویی یک مسلمان در غیاب

جرجانی می گوید غیبت یاد کردن بدیهای کسی در غیاب او بشرط آن که آن شخص دارای آن بدیها باشد و در غیر آن صورت بهتان است

صاحب مجمع السلوک می گوید که مسلمانی را به چیزی باد کنی که اگر بشنود او را ناخوش (غمگین) کند خواه آنچه را بدان یاد کرده ای راجع به عیبی در بدنش و یا پوشش و یا آفرینشش و یا کردار گفتار یا دین یا دنیا یا فرزند یا خانه و... باشد

ابو القاسم رح می گوید غیبت کننده ای اگر استغفار هم بگوید خداوند آورا نمی بخشد تا اینکه غیبت شده آورا نبخشد

مفهوم غیبت

چنانچه از اسمش پیداست بدین معناست که در غیاب کسی سخن گویند. منتهی سخنی که عیبی از عیوب او را فاش سازد خواه این عیب جسمانی باشد یا اخلاقی. در اعمال او باشد یا در سخنش و حتی در واری که مربوط به اوست مانند لباس ، خانه ، همسر ، فرزندان و مانند اینها. بنابراین اگر کسی صفات ظاهر و آشکار دیگری را بیان کند غیبت نخواهد بود مگر اینکه قصد مذمت و عیبجویی داشته باشد که در اینصورت حرام است. مثل اینکه در مقام مذمت کسی بگوید آن فرد نابیناست یا کوتاه قد است

### حکم غیبت و آثار سوء آن

بعضی از مردم - که خداوند آن ها را هدایت کند - غیبت را امر زشت و منکر و یا حرامی نمی دانند، و بعضی می گویند: اگر فرد آنچه را که شما می گویی داشته باشد، گفتنش حرام نیست، این افراد احادیث پیامبر صلی الله علیه و سلم را به فراموشی می سپارند، می خواهم کمی توضیح دهید.

غیبت حرام و از گناهان کبیره است؛ خواه عیب در شخص موجود باشد خواه آن عیب را نداشته باشد، چون از پیامبر صلی الله علیه و سلم روایت است که وقتی از ایشان در مورد غیبت سؤال شد فرمود: [ذَكَرَكَ أَحَاكَ بِمَا يَكْرَهُ]، قِيلَ: أَفَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ فِي أَحَى مَا أَقُولُ؟ قَالَ: " إِنْ كَانَ فِيهِ مَا تَقُولُ: فَقَدْ اغْتَبْتَهُ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ مَا تَقُولُ: فَقَدْ بَهْتَهُ ] «غیبت یعنی این که از برادرت به گونه ای یاد کنی که نمی پسندد. گفته شد: اگر برادرم عیبی را که من می گویم داشته باشد؟ فرمود: اگر آنچه می گویی در او باشد غیبت او را کرده ای، و اگر نباشد به او تهمت زده ای،»

از رسول الله صلی الله علیه و سلم روایت است که در شب معراج اقوامی را دید که ناخن هایی از مس دارند و با آن چهره و سینه هایشان را می خراشند آنگاه از رسول الله صلی الله علیه و سلم در مورد آن ها پرسید و در پاسخ به ایشان گفته شد: [هُؤُلَاءِ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ لُحُومَ النَّاسِ وَيَفْعَعُونَ فِي أَعْرَاضِهِمْ] «اینان کسانی هستند که گوشت های مردم را می خورند و به آبرویشان متعرض می شوند.»

خداوند متعال می فرماید: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ (12) حجرات . »

ای مؤمنان از بسیاری گمان ها پرهیز کنید [چرا که] بعضی از گمان ها گناه هستند و [در امور یکدیگر] جاسوسی نکنید و غیبت یکدیگر را نکنید آیا فردی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد که قطعاً آن را نمی پسندید، و از الله بترسید، بیگمان خداوند توبه پذیر و مهربان است]

پس بر هر مرد و زن مسلمانی واجب است که از غیبت پرهیز کنند و یکدیگر را به ترک آن توصیه نمایند تا این گونه از خداوند و پیامبرش فرمان برده باشند و پرده ی برادران مسلمانان را بیوشانند

و عیوب آن ها را آشکار نکنند؛ چون غیبت از عوامل تنفر و کدورت و دشمنی و تفرقه در جامعه می باشد. خداوند به مسلمین توفیق خیر و خوبی بدهد.

### حکم گوش دادن به غیبت دیگران چیست؟

در خانواده ما همه اهل غیبت هستند و هر وقت غیبت میکنند من میروم به گوشه ای چون نمیخواهم شنونده باشم

غیبت حرام و از گناهان کبیره است؛ خواه عیب در شخص موجود باشد خواه آن عیب را نداشته باشد، چون از پیامبر صلی الله علیه و سلم روایت است که وقتی از ایشان در مورد غیبت سؤال شد فرمود: [ذِكْرَكَ أَحَاكَ بِمَا يَكْرَهُ]، قِيلَ: أَفَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ فِي أَخِي مَا أَقُولُ؟ قَالَ: " إِنْ كَانَ فِيهِ مَا تَقُولُ: فَقَدْ اغْتَبَيْتَهُ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ مَا تَقُولُ: فَقَدْ بَهْتَيْتَهُ" «غیبت یعنی این که از برادرت به گونه ای یاد کنی که نمی پسندد. گفته شد: اگر برادرم عیبی را که من می گویم داشته باشد؟ فرمود: اگر آنچه می گویی در او باشد غیبت او را کرده ای، و اگر نباشد به او تهمت زده ای،»

از رسول الله صلی الله علیه و سلم روایت است که در شب معراج اقوامی را دید که ناخن هایی از مس دارند و با آن چهره و سینه هایشان را می خراشند آنگاه از رسول الله صلی الله علیه و سلم در مورد آن ها پرسید و در پاسخ به ایشان گفته شد: [هُؤُلَاءِ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ لُحُومَ النَّاسِ وَيَفْعُونَ فِي أَعْرَاضِهِمْ] «اینان کسانی هستند که گوشت های مردم را می خورند و به آبرویشان متعرض می شوند.»

خداوند متعال می فرماید: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ (12) حجرات . »

[ای مؤمنان از بسیاری گمان ها پرهیز کنید] چرا که [بعضی از گمان ها گناه هستند و] در امور یکدیگر [جاسوسی نکنید و غیبت یکدیگر را نکنید آیا فردی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد که قطعاً آن را نمی پسندید، و از الله بترسید، بیگمان خداوند توبه پذیر و مهربان است]



پس بر هر مرد و زن مسلمانی واجب است که از غیبت پرهیز کنند و یکدیگر را به ترک آن توصیه نمایند تا این گونه از خداوند و پیامبرش فرمان برده باشند و پرده‌ی برادران مسلمانان را بیوشانند و عیوب آن‌ها را آشکار نکنند؛ چون غیبت از عوامل تنفر و کدورت و دشمنی و تفرقه در جامعه می‌باشد. خداوند به مسلمین توفیق خیر و خوبی بدهد.

و شما باید از مجلس کسانی که غیبت می‌کنند، جدا شوی و با آن‌ها ننشینی. و این که شما با آن‌ها رابطه‌ی قوی داری و آنها دوستان شما هستند، در قیامت برای شما سودی نخواهد داشت. و قتی در قبرت تنها باشی این رابطه و دوستی برایت کاری نخواهد کرد، و به زودی تو از آن‌ها یا آنها از تو جدا خواهند شد، و هر یک با عمل خود تنها می‌شود.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ (67) الزخرف» [دوستان در آن روز دشمن یکدیگر می‌شوند به جز پرهیزگاران].

و نباید بر اثر لومه و سرزنش آنها مبنی بر اینکه گوشه‌گیر هستی، تسلیم خواست آنها شوی و در بین آنها بنسینی و به غیبتشان گوش دهی و تسلیم شدن در برابر سرزنش آنها در حقیقت تسلیم شدن در برابر شیطان و وسوسه‌های اوست پس به خدا توکل کن و بر اعتقاد خود راسخ باش و در عوض آنها را نصیحت کن و عواقب سخت غیبت کردن و غیبت شنیدن را برایشان بازگو کن و اگر قبول نکردند شما از گناه آنها فاصله بگیرید که حساب هر کس در قیامت جداگانه محسوب می‌شود.

### توبه‌ی شخص غیبت کننده

اگر یک شخصی غیبت کرد و بعد پشیمان شد و توبه می‌کند و می‌خواهد از اون فردی که غیبت کرده معذرت خواهی کند اما روش نمی‌شه به نظر شما آیا توبه او پذیرفته می‌شود ( انما الاعمال بالنیات ) چون از ته دل به خاطر اون غیبت پشیمان هست.

اولا از اینکه از انجام این گناه پشیمان شده اید از صفات متقین است، و خداوند متعال وعده بهشت و رحمت و مغفرت به این اشخاص داده است که بعد از گناه پشیمان میشوند و دست از گناه میکشند و با توبه و استغفار به خداوند متعال برمیگردند و میفرماید:

" وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ (133) الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿134﴾ وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَن يَغْفِرِ اللَّهُ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿135﴾ أُولَٰئِكَ جَزَاءُهُمْ مِّن رَّبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنَعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ " (136) – سوره ال عمران

«و بشتابید به سوی آمرزشی از جانب پروردگار خویش و بهشتی که پهنای آن مانند عرض آسمانها و زمین است، برای پرهیزگاران آماده شده است (133) همان کسانی که در سراء (حالت آسانی و گشایش و راحت) و ضراء (در تنگی و سختی و رنج) انفاق می‌کنند و خشم خود را فرومی‌خورند و از مردم درمی‌گذرند (از مجازات کسی که به آنان بد کرده و مستحق مؤاخذه است، درمی‌گذرند) و خداوند محسنان را دوست می‌دارد (134) و کسانی اند که چون فاحشه‌ای مرتکب شوند یا چون بر خود ستم روا دارند (با ارتکاب گناهان) یاد کنند الله را (با زبانها و دلهای خویش) پس آمرزش خواهند برای گناهان خویش و چه کسی جز خدا، گناهان را می‌آمرزد؟ و بر آنچه مرتکب شده‌اند (از گناهان) با آن که می‌دانند (و آگاهند که آن کار گناه است) اصرار نمی‌ورزند (135) آنان پاداششان آمرزشی از جانب پروردگارشان و باغهایی است که از فرودست آن جویباران جاری است، جاودانه در آن بمانند و پاداش اهل عمل چه نیکوست»

و در مورد غیبت، اگر فکر میکنید طلب بخشش از آن شخص سبب خشمگین شدن طرف میشود در اینصورت علاوه بر توبه کردن، باید برای او دعای خیر کنید تا جبران شود، و یا اینکه بطور مبهم و عموم از او طلب بخشش کنید بدون اینکه بگویید غیبتش کرده اید تا ناراحت و یا خشمگین نشود که شاید سبب تفرقه و دشمنی بین شما شود.

### کفاره و توبه ای غیبت

چون غیبت کردن از گناهان کبیره است اگر کسی به آن مبتلا شد واجب است فوراً از آن پشیمان شود و پس از پشیمانی قلبی به زبان نیز استغفار نماید و عازم باشد که دیگر گرد چنین گناهی نرود و بار دیگر مرتکب این گناه ناپسند نشود. و از آنجا که غیبت جنبه حق الناس دارد اگر دسترسی به صاحب غیبت دارد از او عذرخواهی نماید هر چند بصورت سربسته باشد و اگر دسترسی بطرف ندارد

یا از دنیا برای او استغفار نموده و عمل نیک انجام دهد شاید به برکت آن خدای متعال هم وی را بخشیده و طرف مقابل را راضی سازد.

همچنین ببینید

ترور شخصیت

حق الناس

غیبت

قتل نفس

گناهان کبیره

### چهره اخروی غیبت

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده است : شب معراج گروهی را در آتش دیدم در حالی که مردار می خوردند. از جبرئیل پرسیدم اینها چه کسانی هستند؟ گفت اینها کسانی هستند که در دنیا گوشت مردار را می خوردند یعنی غیبت مردم را می کردند. (مستدرک ، باب 132)

بر اساس این روایت شریف غیبت در آخرت بصورت خوردن گوشت مرده مجسم می گردند. چنانچه در سوره حجرات آیه 12 خداوند می فرماید : « . . و لا یغتب بعضکم بعضاً ایحب احدکم آن یاکل لحم اخیه میتاً فکرمتموه ؛ بعضی از شما غیبت بعضی دیگر را نکند ، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد که کراهت دارد.»

در تفاسیر متعدد در ذیل این آیه آمده است که آبروی برادر مسلمان همچون گوشت تن اوست و ریختن این آبرو با غیبت و فاش کردن اسرار ، مثل خوردن گوشت تن اوست در حالی که غیبت شده مثل مردگان قادر به دفاع از خود نیست. به تعبیری دیگر افراد جامعه اسلامی از مومنان تشکیل شده است و مومنان نیز به فرموده خداوند برادر یکدیگرند. عبارت «اخیه میتاً» برای این است که او بی خبر از غیبت است و عبارت «فکرمتموه» این را می رساند که کراهت شما از این کار امری ثابت و

محقق است. هیچ شکی در این نیست که شما هرگز راضی نمی‌شوید گوشت مرده انسانی را که برادر شماست بخورید بلکه از آن کراهت دارید، پس باید از غیبت کردن هم نفرت داشته باشید.

### عکس العمل در برابر غیبت کننده

در مقابل شخص غیبت کننده چه موضعی داشته باشیم ایا سخنش را قطع کنیم. اگر بزرگتر از ما باشد چی شاید ناراحت شود؟.

در هر جایی که گناه و منکرات رخ میدهد، باید سعی شود با نرمی و پند و اندرز همراه با حکمت اصلاح شود، ولی اگر کسی نتواند اصلاح کند باید آن مجلس را ترک کند تا شریک گناه دیگران نشود.

خداوند متعال میفرماید:

«دعوت کن (مردم را) به سوی راه پروردگار خویش به حکمت و اندرز نیکو»

و میفرماید:

" وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَفْعَدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلَهُمْ... " (النساء : 140)

«و البته خدا در کتاب (خویش قرآن و دقیقا در آیه (68) از سوره انعام) بر شما نازل کرده که هرگاه شنیدید آیات خدا مورد انکار و ریشخند قرار می‌گیرد، با آنان ننشینید تا به سخنی غیر از آن درآیند چرا که در این صورت شما هم مثل آنان خواهید بود»

بنابراین شما سعی کنید با حکمت و نرمی او را نهی کنید و اگر نشود سعی کنید حرف را به طریقی عوض کنید تا هم خود آن شخص از گناه غیبت نجات پیدا کند و هم خود شما از شر شنیدن غیبت نجات یابید، و یا اینکه آن مجلس غیبت را ترک کنید.

### فلسفه تحریم غیبت

## غیبت هیچ کس را نکن

یکی از فلسفه‌های تحریم غیبت این است که آبرو و حیثیت انسانها که سرمایه بزرگ هر فردی است در هم نشکند و شخصیت افراد لکه‌دار نشود.

نکته دیگر اینکه غیبت بدبینی می‌آفریند. پیوندهای اجتماعی را سست می‌کند. سرمایه اعتماد را از بین می‌برد و پایه‌های تعاون و همکاری را متزلزل می‌کند.

دیگر اینکه غیبت بذر کینه و عداوت را در دلها می‌پاشد و گاه سرچشمه نزاعهای خونین و قتل و کشتارها می‌شود و آثار سوء فردی و اجتماعی فراوانی را بدنبال می‌آورد.

### موارد جواز غیبت

در چند مورد فقها غیبت کردن را جایز شمرده‌اند که عبارتند از :

غیبت از کسی که فسقش آشکار باشد نه نهانی. مثل اینکه ظرف شراب را آشکارا در خیابان بدست گرفته و بیاشامد.

در مقام شکایت مظلوم از ظالمی که به او ستم کرده و بیان ظلمی که به او شده غیبت مانعی ندارد.

هر گاه مسلمانی از کسی مشورت گیرد در باب معامله‌ای که با شخص معینی می‌خواهد انجام دهد و طرف مشورت عیبی از آن شخص می‌داند که اگر نگوید معامله انجام می‌گیرد و آن مسلمان به رنج و ضرر خواهد افتاد در اینصورت ذکر آن عیب برای چنین شخصی مانعی ندارد.

غیبت کردن به قصد نهی از منکر مانعی ندارد به این معنی که هرگاه منکری را از مسلمانی ببیند و بداند که اگر غیبتش را بکند آنرا ترک می‌کند در اینصورت غیبت جایز است ولی اگر احتمال بدهد که ترک کرده ذکر آن جایز نیست و حرام است.

غیبت نمودن و ظاهر کردن عیب کسی که گمراه و گمراه کننده است و در دین خدا بدعتی گذاشته به قصد اینکه مردم فریب وی را نخورند و در دامش نیفتند جایز نیست.

غیبت کردن از فاسقی که روایتی نقل کرده یا بر امری شهادت داده به قصد اینکه مردم فسق او را بشناسند و به قولش ترتیب اثر ندهند جایز است.

رد کردن کسی که به دروغ ادعای نسبی کند زیرا مصلحت حفظ انساب و خانواده مقدم بر مفسده هتک ادعا کننده است.

بطور کلی هر موردی که مصلحت غیبت کردن از مفسده حتک احترام مومن بیشتر باشد غیبت جایز است.

### انواع غیبت های مباح

آیا اخبار گوش دادن از تلویزیون رسمی کشور جائز است؟ چون یکی از دوستانم گفت درست نیست چون غیبت میشود.

اول باید بدانیم غیبت چیست و به چه مناسبت بعد مسئله را بررسی می کنیم:

پیامبر صلی الله علیه وسلم در حدیثی معنی غیبت را اینگونه بیان فرمودند: «می دانید غیبت چیست؟ اصحاب گفتند: الله و رسولش بدان داناترند. فرمودند: سخن گفتن از برادر مسلمانان به گونه ای که او ( آن سخن را ) نمی پسندد، گفتند: آیا اگر آن عیب واقعاً در برادر مسلمان باشد (باز هم یادآوری آن غیبت شمرده می شود؟) فرمودند: (آری) اگر آن عیب در او باشد از او بدگویی و غیبت کرده ای و اگر چنین چیزی در او باشد از او بدگویی و غیبت کرده ای، و اگر چنین چیزی در او نباشد به او بهتان زده ای!». مسلم 4 / 2001.

بنابراین، غیبت یعنی سخن گفتن و یادآوری عیب برادر مسلمان که موجب ناراحتی و دلخوری او گردد، چه آن عیب در بدن او باشد و یا در دین، دنیا، روح، اخلاق و خلقتش، غیبت صورت های متعددی دارد، مانند: ذکر معایب و زشتی ها و یا ادا در آوردن و تقلید شخصی از روی مسخره و استهزاء.

مواردی که گمان نمی برد غیبت باشند، ولی غیبت هستند:

1- کسی را غیبت می کند، و وقتی بر او اعتراض می شود که غیبت است، می گوید: من این سخن را نزد خودش هم می گویم.

2- کسی در میان مردم، هنگام ذکر نام کسی می‌گوید: به خدا پناه می‌برم از بی‌حیایی بعضی‌ها! و یا خدا از سر تقصیر فلانی بگذرد و ...

3- اینکه بگوید: فلانی مبتلا به این است.

4- بی‌توجهی و تساهل در غیبت گناهکاران.

باید از نماهی (سخن چینی) حذر کرد، چون پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «لا یدخل الجنة قتات».

سخن چین به بهشت داخل نمی‌شود. بخاری (6056) و مسلم (105) این حدیث را روایت کرده‌اند

اینک به ذکر پاره‌ای از غیبت‌های مباح می‌پردازیم:

1- شکایت و دادخواهی: مانند شکایت بردن نزد حاکم یا قاضی:

عایشه رضی الله عنها می‌گوید: هند دختر عقبه به رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وسلم عرض کرد: ای رسول خدا! ابوسفیان، مردی بخیل است و آنچه در اختیار من می‌گذارد، من و فرزندم را کفایت نمی‌کند؛ به همین خاطر من مجبور می‌شوم به صورت پنهانی و بدون اجازه وی مقداری از مال او را بردارم. (آیا این کار اشکال دارد؟) آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمود: (خدی ما یکفیک و ولدک بالمعروف) یعنی: «آن مقدار از مال او را که تو و فرزندت را بسنده باشد، منصفانه بردار (و مصرف کن)». بخاری (5364) و مسلم (1714).

2- استفتاء: هنگام فتوا گرفتن نیز غیبت مباح است؛ مثل اینکه شخصی نزد مفتی برود و بگوید: فلانی بر من ظلم کرده است؛ چگونه می‌توانم از ظلم او رهایی یابم؟ حدیث قبل، مصداقی برای این مورد نیز می‌باشد.

3- کمک خواستن برای تغییر منکر و یا دفع بلا از مسلمان:

روایت عایشه رضی الله عنها درباره‌ی هند مصداقی برای این مورد نیز می‌باشد.

4- دادن هشدار به مسلمانان و نصیحت آنان برای دوری از افراد شرور و کسانی که به نحوی به مسلمانان زیان می‌رسانند. بیان عیب‌ها و کاستی‌های راویان حدیث و یا کسانی که در مقام شهادت و گواهی قرار می‌گیرند، نمونه‌ای از این مورد می‌باشد؛ چرا که این کار، به قصد دفاع از حدیث نبوی صورت می‌گیرد.

زید بن ارقم رضی الله عنه می‌گوید: در یکی از غزوات، رسول خدا صلی الله علیه وسلم را همراهی می‌کردیم که طی آن مردم، دچار سختیها و مشکلات فراوانی شدند. در این گیر و دار عبدالله بن ابی، خطاب به همدستان خویش گفت: از انفاق کردن به همراهان رسول خدا صلی الله علیه وسلم خودداری کنید تا از اطرافش پراکنده شوند. همچنین گفت: اگر به مدینه برگردیم، افراد بزرگوار و نیرومند، انسانهای پست و ذلیل را از مدینه بیرون خواهد کرد.

امام شوکانی رحمه الله، پیرامون این قضیه می‌گوید: دلیل آشکار بر مباح بودن چنین غیبتی، آن است که در احادیث بر خیرخواهی به خاطر خدا و برای کتاب خدا و رسول او و پیشوایان امت اسلامی و همچنین عوام و خواص آنها تأکید شده است. همانا بیان دروغ دروغگویان، بزرگترین نوع خیرخواهی است که هر مسلمانی باید به خاطر خدا و برای پیامبر و امت اسلامی انجام دهد.

وی همچنین می‌گوید: «جرح و نقد کسی که در مقام شهادت قرار گرفته و در مورد خون یا مالی که از کسی ضایع شده، شهادت دروغ می‌دهد، در واقع، نوعی خیرخواهی می‌باشد که خداوند، آن را بر بندگان خویش واجب نموده و از آنها خواسته تا در چنین مواقعی، این وظیفه‌ی خویش را تمام و کمال به انجام برسانند».

5 - پنجمین موردی که غیبت کردن به خاطر آن مباح است، مشاوره در مورد مسایلی چون ازدواج، شراکت و همسایگی است.

وقتی معاویه و ابوجهم از فاطمه بنت قیس خواستگاری نمودند، فاطمه رضی الله عنها نزد رسول خدا صلی الله علیه وسلم رفت و در مورد این دو نفر با آن حضرت صلی الله علیه وسلم مشورت کرد. رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: (أما ابوجهم فلا یضع عصاه عن عاتقه و اما معاویة فصعلوک لا



مال له) یعنی: «اما ابوجهم، مدام عصایش را بر شانه دارد. و معاویه هم، شخصی فقیر است که هیچ مالی ندارد». مسلم (1480).

6 - ذکر عیوب و کاستی‌های افرادی که بطور علنی گناه می‌کنند و از آن پروایی ندارند و همچنین ذکر بدعت‌های افراد بدعتگذار. البته در صورت وجود این دو ویژگی در فردی، می‌توان عیوب او را نزد دیگران، بازگو کرد و در صورت فقدان دو ویژگی مذکور، ما چنین حقی نداریم و تنها در مواردی می‌توان به غیبت وی پرداخت که غیبتش از نوع مباح باشد. که پیشتر بیانش گذشت.

عایشه رضی الله عنها می‌گوید: شخصی از رسول خدا صلی الله علیه وسلم اجازه‌ی ورود خواست؛ آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمود: (إِذْنُوا لَهُ؛ بئس اخو العشیرة) «به وی اجازه‌ی ورود دهید؛ (راستی که او) چه بد آدمی است». بخاری (6054) و مسلم (2591).

امام بخاری به استناد همین حدیث، غیبت اهل فساد و کسانی را که مدام و بی‌پروا به کارهای بد مشغولند، جایز دانسته است. دلیل این مدعا آنکه امام بخاری در کتاب خویش بابی را تحت عنوان «باب ما يجوز من اغتیب اهل الفساد و الريب» به این موضوع اختصاص داده است.

7- زمانی که شخصی، به لقبی خاص همچون لنگ، کر و کور و مانند آن شناخته می‌شود و اگر این القاب را بکار ببریم، امکان معارفه‌ی وی نباشد. البته نباید این القاب یا ویژگی‌ها برای تحقیر یا زیر سؤال بردن آن شخص بکار رود؛ زیرا هر چند بکار بردن این القاب به هنگام ضرورت درست است، اما این حکم، مطلق نیست. بدیهی است اگر چنین افرادی را نیز با الفاظ و صفاتی غیر از اینها نام ببریم، بهتر می‌باشد.

اسیر بن جابر رضی الله عنه می‌گوید: اهل کوفه، گروهی را نزد عمر رضی الله عنه فرستادند. در میان آنها شخصی وجود داشت که او یس را مسخره می‌کرد. عمر رضی الله عنه فرمود: آیا در میان شما از قبیله‌ی قَرْن کسی هست؟ سپس همان مرد نزد عمر رضی الله عنه آمد و ایشان خطاب به وی گفت: رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرموده است: (إِنْ رَجُلًا يَأْتِيكُمْ مِنَ الْيَمَنِ: يُقَالُ لَهُ أَيْسٌ لَا يَدْعُ بِالْيَمَنِ غَيْرَ أُمَّ لَهْ قَدْ كَانَ بِهِ بِيَاضٌ فَدَعَا اللَّهَ فَأَذْهَبَهُ عَنْهُ إِلَّا مَوْضِعَ الدِّينَارِ أَوْ الدَّرْهَمِ فَمَنْ لَقِيَهُ مِنْكُمْ؛ فليستغفر لكم) «همانا شخصی از یمن نزد شما خواهد آمد که او را او یس خوانند. وی در یمن، فقط مادرش را

می‌گذارد (و از خوبی کردن به او دریغ نمی‌کند). همانا او بیماری برص (پیسی) داشت و دعا کرد که خداوند شفایش دهد؛ خداوند، دعایش را پذیرفت و جز به اندازه‌ی یک درهم یا یک دینار، دیگر هیچ نشانه‌ای از پیسی در وجود وی باقی نمانده است. پس هر کدامتان که او را ملاقات کردید، از وی بخواهید تا برایتان از خداوند طلب مغفرت کند». مسلم (2542).

امام شوکانی رحمه‌الله می‌گوید: «اگر قضیه‌ی آنگونه باشد که شخصی جز با لقبی خاص شناخته نشود و لقبی دیگر برای معرفی او بکار نرود، اگر واقعاً تا این حد لقبی در معرفی شخص مؤثر باشد و هیچ جایگزینی نیز نداشته باشد، در آنصورت بدیهی است، این، لقب او نخواهد بود، بلکه این لقب، اسم اوست. چرا که با هیچ نام دیگری شناخته نمی‌شود.» «رفع الريبه» ص 33.

خلاصه غیبت های مباح:

- 1- مظلوم می‌تواند نزد حاکم و قاضی تظلم‌خواهی کند.
- 2- وقتی بخواهد برای تغییر منکر کمک بگیرد.
- 3- هنگام استفتاء از مجتهد و بگوید فلانی اینچنین بر من ظلم کرده است.
- 4- هشدار به مسلمانان که وارد شر و فتنه نشوند و آنان را نصیحت کند، بشرطیکه هدفش نصیحت باشد.
- 5- اگر شخصی فسق و بدعت را بطور علنی انجام دهد. بخاری برای جواز غیبت اهل فساد و اهل شک استدلال می‌کند به گفتار پیامبر صلی الله علیه وسلم درباره عیینه بن حصن، وقتیکه بر علیه پیامبر صلی الله علیه وسلم اذن گرفت، و پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: بدترین برادر عشیره...!
- 6- برای شناختن و توصیف کردن، مانند اینکه کسی معروف به اوصاف زیر باشد: کور، چلاق، کچل و ... ولی اگر منظور تنقیص او باشد حرام است. الآداب الشرعیه (1/274).

حال با توجه به این مطالب می‌توان گفت که گوش دادن به اخبار بطور مطلق غیبت گوش دادن نیست و نمی‌توان گفت که شنیدن اخبار و اوضاع دنیا و اطرافیان یعنی به غیبت گوش سپرده ایم،

## غیبت هیچ کس را نکن

زیرا در این خبرها گاهی خبر از وقایع یا رویدادها و اطلاعاتی داده می شود و صرف آن خبر است و نه بدنام کردن مومن مسلمانی، از طرفی مسلمانان نباید از دوروبر و اوضاع اجتماعی و سیاسی دنیای پیرامون خود بی خبر باشند و گوش و چشم خود را ببندند با این توجیه که خبر گوش دادن غیبت است.

اگر خبر گوش دادن از طریق اخبار تلویزیون یا رادیو غیبت باشد، در آنصورت خبر گوش دادن از غیر آن نیز همان حکم را خواهد داشت، در اینصورت پس مسلمانان چگونه از اوضاع دوروبر خود مطلع گردند؟!

آری اگر اخبار، خبری جز تخریب مسلمانان نداشته باشد در آنصورت نباید به آن اخبار گوش سپرد نه هر اخباری؟! البته تحذیر مسلمانان از اعمال یا افکار باطل عده ای مسلمان مبتدع و جاهل در اخبار جایز است و لذا گوش دادن به چنین تحذیرهایی کاملاً جایز است.

بنابراین خبر و دادن اخبار، غیبت نیست مگر آنکه گوینده ی آن ضمن خبر خود، شخصیت مسلمان موحدی را که مخاطبان وی را می شناسند تخریب و زشت کند و اگر آن مومن بدان خبر مطلع گردد از آن سخنان ناراحت می شود، که در آنصورت چون شخصیت مومنی که مخاطبان وی را می شناسند در خبر تخریب گشته است پس گوش دادن به آن نیز جایز نیست.

ولی اگر آن مسلمان فردی مبتدع و یا ظالم بود و خبر از ظلم یا تحذیر از بدعت وی داده شده بود جزو غیبت مباح می گردد و گوش سپردن بدان نیز مباح است.

و لذا اگر اخبار، صرفاً خبر رسانی باشد نه زشت کردن مسلمانانی که مخاطبان او را می شناسند، جایز که به آن گوش سپرد. والله اعلم

اگر غیبت مسلمانی را کردیم، چگونه آنرا جبران نماییم؟ آیا غیبت کفار دارد؟

هنگامیکه مرتکب غیبت شخصی شدیم و بعد توبه کردیم، حق غیبت شونده را چطور ادا کنیم با توجه به اینکه گفتن حقیقت به او موجب دشمنی میشود آیا دعای خیر برای او کفایت میکند و با توجه به اینکه اگر بخواهیم نزد شخصی که غیبتش را کرده ایم از او تعریف کنیم موجب غیبت مجدد او میشویم چه کنیم؟ و خلاصه اینکه تنها دعای خیر برای شخص غیبت شونده توسط غیبت کننده برای پذیرش توبه صحیح است؟

بدون شک تمامی مسلمانان می دانند که غیبت از گناهان کبیره است، و می دانند که فرد غیبت کننده نزد خداوند متعال معاقب خواهد شد، و خطیر بودن این گناه به دو علت است:

1- این گناه تعدی به حق الناس است بنابراین خطر آن زیاد بوده چرا که نوعی ظلم به مردم است.

2- غیبت کردن برای بیشتر مردم سهل و آسان است مگر برای کسی که خداوند متعال به وی رحم کرده باشد، در حالیکه این گناه نزد خداوند بزرگ و مبعوض است.

از اینرو مسلمان باید مواظب این آفت زبان باشد و خود را از گناه بزرگ آن نجات دهد، و عادت کردن زبان به غیبت مسلمانان تنها باعث فزونی بار گناهان غیبت کننده خواهد شد و برآستی جبران آنهمه گناه که قسمتی از آن حق الناس است سخت و دشوار است.

اما در مورد کفاره ی غیبت لازمست که به بعضی از نکات مهم توجه کرد:

اولا: کفاره ی غیبت، دعای خیر کردن و طلب آمرزش و استغفار از خدا برای کسیست که غیبت او شده است.

دوما: باید دانست که دعا و استغفار برای غیبت شونده بعنوان کفاره ی غیبت او به تنهایی کافی نیست، زیرا اصل بر این است که گناهان جز با توبه ی صادقانه و پشیمانی قلبی و عدم بازگشت به آن گناه پاک نمی شود، بعد از آن امید است که خداوند متعال توبه اش را بپذیرد و گناهِش را ببخشد و وی را عفو نماید.

اما پایمال کردن حق الناس، جز با طلب عفو و حلالیت از کسی که به وی تجاوز و ظلم شده است، و سرانجام عفو و بخشش از طرف او پاک نخواهد شد، دلیل آن حدیث صحیحی از پیامبر صلی الله علیه

وسلم است که می فرماید: «مَنْ كَانَتْ لَهُ مَظْلَمَةٌ لِأَخِيهِ مِنْ عَرَضِهِ أَوْ شَيْءٍ فَلْيَتَحَلَّلْهُ مِنْهُ الْيَوْمَ قَبْلَ أَنْ لَا يَكُونَ دِينَارٌ وَلَا دِرْهَمٌ ، إِنْ كَانَ لَهُ عَمَلٌ صَالِحٌ أَخَذَ مِنْهُ بِقَدْرِ مَظْلَمَتِهِ ، وَإِنْ لَمْ تَكُنْ لَهُ حَسَنَاتٌ أَخَذَ مِنْ سَيِّئَاتِ صَاحِبِهِ فَحُمِلَ عَلَيْهِ .» بخاری (2449).

یعنی: «هرکس به برادرش ظلم کرده خواه از جهت ناموس یا غیر آن، همین امروز از او طلب بخشش کند قبل از آنکه روزی فرا رسد که دینار و درهم در آن روز پذیرفته نمی شوند، اگر عمل صالح داشته باشد به اندازه ظلمی که کرده از آن برداشته می شود و اگر کار نیک و حسنه ای نداشته باشد از گناهان شخص مظلوم برداشته می شود و بر گناهان او اضافه می شود.»

که در این حدیث امر به حلالیت خواستن و طلب بخشش از مردم و جبران ظلم وارد شده بر آنها قبل از وفاتشان شده است، چرا که در روز قیامت جبران مظالم با حسنات و سیئات خواهد بود نه درهم و دینار و براستی که این خسارت مندی واقعی است.

سوما: پس کسی که می خواهد نفس خود را از گناه غیبت مبرا و خلاص کند باید در طلب بخشش و حلالیت خواستن از کسی که غیبتش را کرده است سعی و تلاش جدی کند، یعنی از او طلب عفو و گذشت کند، و با سخنانی نرم و نیک از وی معذرت خواهی کند و تا می تواند در این راه دریغ نرزد، حتی اگر شده و لازم شد برای وی هدایای با ارزشی بخرد تا دل وی را بدست آورد، و علما تمامی این موارد را جهت بدست آوردن حلالیت جایز دانسته اند.

اما بسیاری از سلف صالح و اهل علم و فقها چنین رأی داده اند که اگر طلب حلالیت و بخشش در امر غیبت مفسده ی بزرگی به دنبال داشته باشد؛ مثلا موجب بر افروخته شدن خشم طرف شود، و موجب قطع صله ی رحم گردد، قلبها را آکنده از دشمنی و کینه نماید، در اینصورت اکثر اهل علم بر ترک طلب بخشش و حلالیت از وی رخصت داده اند و گفته اند که در این شرایط نیازی نیست که نزد غیبت شونده رفت و از وی حلالیت خواست، و امید دارند که دعا کردن برای او (یعنی دعا برای کسی که غیبت وی شده است) و طلب آمرزش و استغفار برای وی نزد خداوند متعال بعنوان کفاره ی غیبت کفایت کند.

البته بعضی دیگر از اهل علم گفته اند که گناه غیبت جز با توبه و طلب بخشش و حلالیت جستن از کسی که غیبت وی شده است، پاک نمی شود و کفاره ای ندارد و دعا و استغفار برای وی نمی تواند گناه غیبت را پاک کند، البته همین دسته از علما فرموده اند که اگر غیبت شونده غایب باشد و یا فوت کرده باشد، در اینحالت دعا کردن برای او و استغفار برای وی جایز است.

اما رأی صحیح اینست که هرگاه غیبت کننده، صادقانه توبه کند، در اینصورت بر وی لازم و شرط نشده که حتماً به غیبت شونده خبر دهد که وی را غیبت کرده است، بخصوص زمانی که این احتمال و ترس وجود داشته باشد که با بازگو کردن مسئله نزد وی مفسده ای به دنبال داشته باشد.

خلاصه اینکه طلب آمرزش از خدا برای کسی که غیبت وی شده است عذری اضطراری است که در وقت ضرورت صورت می گیرد و شریعت اسلام حالت ضرورت را برای زدودن مفسد و جلب مصالح در نظر می گیرد.

و لذا با توجه به مطالب فوق الذکر؛ اشتباه و تصور غلط کسانی روشن می شود که در غیبت کردن عمدی مسلمانان تساهل می کنند به این امید که استغفار و دعا برای او نزد خداوند جهت کفاره ی غیبتش و پاک شدن گناه آن کافیهست! در حالیکه نمی دانند آنها از چند جهت این تصور آنها اشتباه است:

1- آنها فراموش کرده اند که شرط توبه ی اساسی، ندامت و صداقت در توبه و پشیمانی به سوی خداوند متعال است، و بسیاری از مردم موفق به تحقق این شرط نمی شوند.

2- همانا اصل حقیقی در جبران حق الناس، سعی و تلاش جهت حلالیت و طلب بخشش از آنهاست، و اگر به فرض، خبر دادن به او (یعنی کسی که غیبتش شده است) موجب مفسده ی بزرگتری شود، در این حالت - بجای حلالیت جستن از او - به استغفار و دعا کردن برای او کفایت می شود و گرنه اصل بر اینست که نزد کسی که بر وی ظلم شده است رفت تا از او طلب گذشت شود.

3- اگر غیبت شونده توسط شخصی دیگر با خبر شود که غیبت وی را کرده اند، در این صورت بر غیبت کننده لازمست تا مستقیماً نزد او برود و از وی حلالیت بخواهد، تا شاید ناراحتی و آزار قلب

## غیبت هیچ کس را نکن

غیبت شونده تمام شود و گذشت کند، و اگر گذشت نکند در اینصورت است که راهی جز استغفار و دعا کردن برای او (برای خلاص شدن از گناه این غیبت) وجود ندارد.

چهارم: در مورد شیوه و لفظ دعا و استغفار برای غیبت شونده باید گفت که دعا کردن برای او بایستی همراه با ذکر اسم او باشد و علاوه بر آن باید خود را نیز داخل دعا نمود، مثلاً گفت:

اللهم اغفر لی ولفلان : بارالها! بر من و فلانی (کسی که غیبت او را کرده ای) بیامرز.

اللهم تجاوز عنا وعنه : بارالها! از گناه ما و او درگذر.

و باید سعی نمود این دعا را در اوقات اجابت دعا و با صدق و خلوص نیت خوانده شود و از تکرار آن خسته نشد.

پنجم: لازمست اشاره شود که هدف از دعا و استغفار در حقیقت دفع عمل زشت و مقابله با آن بوسیله ی حسنات است و لذا برای رسیدن به این هدف (دفع اثر عمل زشت و گناه آن) لازم نیست که حتماً از دعا و استغفار برای مظلوم استفاده شود و عمل دیگری برای این هدف انجام نگیرد، بلکه می توان هر نوع عمل صالح دیگری انجام داد و ثوابش را به غیبت شونده اهدا نمود؛ مانند صدقه دادن بجای وی و یا کمک کردن به او، و همراهی با وی در هنگام محنت و سختی هایش و غیره، که این اعمال جایگزین اذیتی می شود که بر وی وارد شده است.

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله می گوید: «حق مظلوم تنها با توبه کردن ساقط نمی شود، و این حق است، و فرقی در این مورد بین کسی که به ناحق دیگری را به قتل می رساند با کسی که ظلم دیگری را بر او وارد می کند نیست، پس آنکس که از ظلم توبه کند حق مظلوم تنها با این توبه ساقط نمی شود، اما برای کامل کردن توبه اش باید برایش جبران کند؛ با همان چیزی که توسط آن بر او ظلم کرده، و اگر در دنیا آن (بدی و ظلم را) جبران نکند بایستی که در آخرت جبران کند، پس بر ظالم توبه کار لازمست که حسنات زیادی را انجام دهد، تا اگر مظلومین حقوقشان را (در آخرت از او) بازگرفتند مفلس باقی نماند، با این وجود هرگاه خدا خواست که حق مظلوم را خودش جبران کند از فضل و لطف او بدور نیست، همانطور که اگر بخواهد هرگناه غیر شرکی را برای آنکس که بخواهد می

بخشد... در حدیث ترمذی که آنرا صحیح یا حسن دانسته آمده: «إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَإِنَّ اللَّهَ يَجْمَعُ الْخَلَائِقَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ ، يَسْمَعُهُمُ الدَّاعِيَ وَيُنْفِذُهُمُ الْبَصَرَ ، ثُمَّ يَنَادِيهِمْ بِصَوْتٍ يَسْمَعُهُ مِنْ بَعْدِ كَمَا يَسْمَعُهُ مِنْ قَرَبٍ ، أَنَا الْمَلِكُ ، أَنَا الدِّيَانُ ، لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ أَهْلِ النَّارِ أَنْ يَدْخُلَ النَّارَ وَلَهُ عِنْدَ أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ حَقٌّ حَتَّى أَقْصَهُ مِنْهُ ، وَلَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ وَلَا أَحَدٌ مِنْ أَهْلِ النَّارِ عِنْدَهُ حَقٌّ حَتَّى أَقْصَهُ مِنْهُ». یعنی: هرگاه روز قیامت رسید خداوند متعال همه خلائق را در سرزمین واحدی جمع می کند، دعوتگری همه آنها را می شنواید سپس آنها را با صدایی ندا می دهد که از دور نزدیک همه می شنوند، و خداوند می گوید: من فرمانروا هستم، من دیان (قضاوت کننده) هستم، شایسته نیست هیچیک از اهل جهنم وارد دوزخ شود درحالیکه او نزد یکی از اهل بهشت حقی دارد تا آنکه آن حق را از او بستاند، و برای هیچیک از اهل بهشت شایسته نیست که وارد بهشت گردد درحالیکه کسی از اهل جهنم از او حقی دارد تا آنکه حقش را بستاند».

و در صحیح مسلم از حدیث ابو سعید خدری آمده: « أَنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ إِذَا عَبَرُوا الصَّرَاطَ وَقَفُوا عَلَى قَنْطَرَةٍ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ ، فَيَقْتَصُّ لِبَعْضِهِمْ مِنْ بَعْضٍ ، فَإِذَا هَذَبُوا وَنَقَوْا أَذْنَ لَهُمْ فِي دُخُولِ الْجَنَّةِ ». یعنی: هرگاه اهل بهشت از صراط عبور کردند بر پلی بین بهشت و جهنم می ایستند، و بعضی از آنها از دیگران قصاص می گیرند، و هرگاه (از گناه جرمشان) پاک شدند و قصاص گردیدند به آنها اجازه ی داخل شدن به بهشت داده می شود. و خداوند متعال نیز می فرماید: « وَلَا يَغْتَبُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا ». حجرات 12، یعنی: و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند. و غیبت از نوع ظلم تجاوز است. و فرمود: « أَيُّجِبُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ ». یعنی: آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟! (به یقین) همه شما از این امر کراهت دارید؛ تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه پذیر و مهربان است.

که (در این آیه خداوند متعال) غیبت کنندگان را به توبه کردن آگاه می گرداند تا توبه کنند. و این در چیزی است که مظلوم را از جبران آن آگاه می کند، اما اگر او را غیبت کند یا به وی تهمتی بزند ولی مظلوم از آن باخبر نگردد، در اینصورت بعضی از علما گفته اند: از جمله شرط توبه برای ظالم این است که به مظلوم اعلام کند که وی را غیبت کرده و وی را با خبر نماید، و بعضی دیگر گفته اند خبر دادن به او شرط و لازم (حتمی) نیست، و این یکی قول بیشتر علما است، و هردو قول از امام احمد



روایت شده است، اما قول او در این قضیه اینست که ظالم در حق مظلوم حسناتی انجام دهد مانند: دعا کردن و استغفار برای او، و انجام عمل صالح و اهدای ثواب آن برای وی که این موارد (بعنوان جبران کننده ی و کفاره ی) غیبت و تهمت می شود. و حسن بصری گفته: کفاره ی غیبت این است که برای غیبت شونده استغفار کنی». "مجموع الفتاوی" (187/18-189).

خلاصه اینکه قبل از هرچیز انسان مسلمان متقی باید مراقب گفتار و زبان خود باشد و زبان خویش را به بدگویی و غیبت مسلمین مشغول نسازد تا بارگناهانش را زیاد نکند، ولی اگر مرتکب این گناه کبیره گشت قبل از هرچیزی بر او لازمست تا توبه ای صادقانه کند و قلباً از غیبت آن مسلمان احساس ندامت و پشیمانی کند، بعد از آن، اصل بر اینست که اگر امکان داشت نزد غیبت شونده رفته و از او حلالیت بخواهد، و اگر لازم شد به طریقی قلب وی را بدست آورد تا موفق به گذشت وی شود، اما اگر ممکن بود که باخبر کردن وی از غیبتش موجب شر بزرگتری شود و خشم وی را برانگیزاند و احتمال قطع صله رحم وجود داشت، در این شرایط بعضی از علما فرموده اند که لازم نیست به او چیزی بگوید بلکه کافیهست تا برای او دعای خیر و طلب آمرزش نزد خدا کند و یا برای او اعمال نیک و صدقه کند و ثوابش را برایش اهدا نماید، و بعضی دیگر از علما فرموده اند تنها راه، همان حلالیت خواستن از وی است مگر آنکه فوت کرده باشد یا غایب باشد که در اینحالت باید برایش دعا و استغفار کند، ولی رأی بیشتر علما اینست که در این شرایط لازم نیست تا نزد غیبت شونده برود و وی را باخبر کند، بلکه برایش دعای خیر و استغفار کند، امید است که کفایت کند و گناهش پاک شود..

آیا غیبت کردن پشت سر کسی که وظایف اداری خود را مانند دیگران انجام نمی دهد،

گناهی دارد؟

بنده در یکی از ادارات دولتی کار می‌کنم و در اون اداره در یک قسمت خاصی مسئول اون در غیاب مدیر یعنی وقتی مدیر اداره سر کار نیست اون هم در پست خود حاضر نمی‌شود یا در رفت و آمدش بی‌نظمی می‌کند

حالا می‌خواهم بگویم با وجود این صفت‌هایی که در این شخص وجود دارد و همیشه از این کارها می‌کند پشت سر او حرف می‌زنم البته خیلی از بچه‌های دیگه پشت سر او حرف می‌زنند خصوصاً در ماه مبارک رمضان می‌دانم که زیاد غیبت اون کرده‌ام آیا این غیبت برای من محسوب می‌شود و روزه‌های من مورد قبول واقع می‌شود چون من خیلی می‌ترسم که روزه‌های من مورد قبول واقع نشده باشد هر کاری می‌کنم که غیبت اون نکنم نمی‌تونم آخه اون کارهایی می‌کند که نمی‌شه حرف اون را در نیاری و برای همین هست که من همیشه از خدا می‌خواهم و دعا می‌کنم که چنین شخصی را از این اداره ببره بیرون تا از شر غیبت راحت بشم چون هر موقع پشت سر اون حرف می‌زنم فوراً پشیمان می‌شوم نمی‌دونم چطوری جلو این زبان خودم را بگیرم آیا این دعای من درست است که این شخص از این اداره بره تا دیگه هیچ موقع غیبت نکنم.

نخست لازمست مطلع شوید که روزه با غیبت کردن یا ناسزا گفتن و امثال این سخنان باطل نمی‌شود، امام اجر و ثواب روزه روزه دار کاهش می‌یابد، زیرا انسان روزه دار تنها خود را از خوردن و آشامیدن و آمیزش کردن در روز منع نمی‌کند، بلکه یک انسان روزه دار به بوسیله روزه خود را از تمامی منکرات و گناهان منع می‌کند، ولی بعضی از این منکرات موجب باطل شدن روزه و عدم قبول آن می‌شوند مانند زنا یا استمناء که روزه باطل می‌شود و چنین کسی بایستی بعد از رمضان آن روزی را که با استمناء روزه اش را باطل کرده قضاء نماید، اما منکراتی از قبیل غیبت کردن یا سخن چینی یا ناسزاگفتن روزه را باطل نمی‌کنند و روزه انشاءالله مقبول است، با این وجود کسی که غیبت می‌کند به خود جفا کرده، زیرا ضمن آنکه باید بار گناه غیبت را بدوش بکشد، اجر و ثواب روزه‌ی خود را نیز کم کرده است.

اما در مورد قضیه‌ای که شما مطرح کردید: سخنانی که شما پشت سر آن همکار خود می‌زنید غیبت محسوب می‌شود، زیرا غیبت عبارتست از چیزی که در غیاب شخص گفته شود که اگر او حاضر می‌بود از آن سخنان ناراحت می‌شد، هر چند که سخنان شما پشت سر وی درست و واقعیت باشد، اما

## غیبت هیچ کس را نکن

باز غیبت محسوب می شود و اگر سخنانی که شما در غیابش در مورد او می گوئید واقعیت نداشته باشد، در آنصورت شما مرتکب تهمت زدن می شوید.

أبو هریره رضی الله عنه روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «أَتَدْرُونَ مَا الْغَيْبَةُ قَالُوا اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ ذِكْرُكَ أَخَاكَ بِمَا يَكْرَهُ قِيلَ أَفَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ فِي أَخِي مَا أَقُولُ قَالَ إِنْ كَانَ فِيهِ مَا تَقُولُ فَقَدْ اغْتَبْتَهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ فَقَدْ بَهْتَهُ» مسلم (2589).

یعنی : آیا می دانید غیبت و پشت سر دیگران حرف زدن چیست؟ گفتند: خدا و رسول خدا داناترند. فرمود: یاد کردن برادرت به آنچه که او دوست ندارد غیبت است. گفته شد: اگر آنچه در باره برادرم می گویم در او باشد هم غیبت است؟ فرمود: یاد کردن برادرت به آنچه که در او هست، غیبت است، و اگر به آنچه که در او نیست او را یاد کنی به او بهتان زده‌ای.

و غیبت جزو گناهان بزرگ است و اگر شما از این گناه بزرگ دست برندارید، تنها چیزی که نصیب شما می شود اینست که بار گناهان خود را بیش و بیشتر خواهید کرد و شیطان را خوشحال و خوشحالتر.. و اوضاع و احوال شما با همکاران به همان حال باقی می ماند!

بهتر است که برای رهایی از خشم خدای متعال و نجات از این گناه بزرگ، تقوای الهی پیشه کنید و بجای غیبت کردن دوستان و همکاران مشغول کارهای روزمره یا مطالعه باشید تا فرصت غیبت کردن بدست نیاورید، و اگر قصد اصلاح همکار خود را دارید بهتر است یک نامه یا یک نوشتار تهیه کنید و آنرا در صندوق پیشنهادات یا انتقادات یا شکایات اداره خود بیاندازید و از وضعیت مذکور به مدیریت اداره خود شکایت کنید، و بهتر است که برای خود و همکاران دعای اصلاح و هدایت کنید، و مراقب گفتار و زبان خود باشید، زیرا زبان مایه بهشت و جهنم است!

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مَنْ يَضْمَنُ لِي مَا بَيْنَ لِحْيَيْهِ وَمَا بَيْنَ رِجْلَيْهِ أَضْمَنَ لَهُ الْجَنَّةَ».

یعنی: هر کس بین دو ریش خود (یعنی زبان) و بین دو پایش (یعنی شرمگاهش) برایم ضمانت کند و آنرا حفظ نماید، من بهشت را برایش ضمانت می شوم. بخاری (6474).

و از ابوهریره رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت می کند که فرمودند: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ لِيَصْمُتْ» بخاری (6018) و مسلم (48).

یعنی: کسی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، باید سخن نیک بگوید، یا خاموش و ساکت شود.

و قیس می گوید: «رأيت أبا بكر أخذاً بطرف لسانه ويقول هذا الذي أوردني الموارد».

یعنی: «ابوبکر را در حالی دیدم که کناره‌ی زبانش را گرفته بود و می گفت: این، همان چیزی است که مرا به گناه و عذاب گرفتار می سازد». "صفة الصفوة" (253/2).

براستی که بزرگترین بدبختی زبان لگام گسیخته است، و بزرگترین وسیله به دوزخ رفتن هم این زبان است. بهترین وسیله نگهداری زبان و استفاده از آن مشغول ساختن زبان به ذکر و یاد خدای تعالی است. و بهترین ذکر تسبیح: سبحان الله و بحمده، سبحان الله العظیم، و استغفرالله است.

پس از خدا بترسید و بجای آنکه مشکل را بوسیله گناه حل کنید، آنرا از راه اصولی برطرف نمائید، اگر مسئله حل شد که بهتر، وگرنه مسئولیت کم کاری آن همکار شما بر عهده شما نخواهد بود و او در سرای قیامت بازخواست می شود، و چه زیباست که شما بنحوه ای حکیمانه آن همکار خود را نصیحت کنید تا از این عملکرد خود بازگردد.

از دعای خیر تان ما را فراموش نکنید